



## توطئه امپریالیستی و سرکوب زنان افغان زیر نام بد حجابی

### علیه بیدادگری و خشونت جنسیتی سبعانه امارت اسلامی طالبان به پا خیزید

وضعیت زنان در افغانستان در ظرف 28 ماه گذشته که از عمر امارت اسلامی سپری می‌شود، به مراتب به وخامت گرائیده حتی تا آن اندازه که حقوق اولیه بورژوائی که عبارت از تحصیل و حق کار در بیرون از خانه می‌باشد، از ایشان سلب گردیده است.

ستم بر زن با سیستم طبقاتی در هر عصر تاریخی گره خورده و در خدمت نظام طبقاتی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر با زیربنای استثمار در هر عصر مرتبط است.

زن ستیزی و سلطه جوئی مرد بر زن به اشکال گوناگون از تمام روزه‌های جامعه بیرون می‌زند و منظم‌اً توسط طبقه حاکمه تشویق می‌شود، امارت اسلامی افغانستان و حامیان اشغال‌گراشان به تمام معنا حامی زن ستیزی و سلطه‌جویی مرد بر زن می‌باشند. اعمال قدرت مرد بر زن بخشی از مناسبات قدرت سیاسی حاکم است، ستم بر زن در بالاترین رده‌های رژیم امارت اسلامی به اشاره‌ی باداران امپریالیستی شان طرح‌ریزی می‌شود و توسط دستگاه سیاسی، اجرائی و محاکم عدلی آن به عمل در می‌آید.

امروز در افغانستان خشونت علیه زنان تکان‌دهنده است. این خشونت‌ها به انواع و اشکال گوناگون تبارز می‌یابد. از خشونت‌های لفظی و کلامی گرفته تا قتل و شلاق خوردن زنان در ملاعام و بازداشت شان به بهانه‌های مختلف.

در ظرف 28 ماه که از عمر نکت‌بار امارت اسلامی طالبان می‌گذرد علاوه بر این‌که هیچ امیدی برای بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها وجود ندارد، بل‌که طالبان با وحشی‌گری تمام سعی می‌نمایند تا زنان را به شکلی از اشکال سرکوب نموده و صدای اعتراض شان را خفه نمایند و آن‌ها را به اندرون خانه بکشانند. از چند روز به این طرف طالبان با دستور رده‌های بالایی شان علناً در شهر کابل به بازداشت زنان زیر نام بی‌حجابی پرداخته‌اند. ما این عمل ننگین طالبان را به شدیدترین وجه تقبیح می‌نمایم.

گرچه این عمل ننگین طالبان از طرف امپریالیست‌ها محکوم گردیده و خواهان آنند که طالبان به این بازداشت‌ها خاتمه دهند. باید با صراحت گفت که این حرکت امپریالیست‌ها یک نمایش مضحکه‌ی بیش نیست، و فقط برای فریب زنان ستم‌دیده افغانستان است. آن‌ها نه‌تنها در ظرف شش سال دور اول امارت اسلامی طالبان تمام جنایات شان را با سکوت مورد حمایت قرار دادند، بل‌که بعد از تسلیم نمودن افغانستان به طالبان از تمامی برنامه‌های ملامشاهی امارت اسلامی حمایت و پشتیبانی نموده اند. همین حالا تمام بودجه طالبان و به خصوص بودجه تجهیز و آموزش نیروهای مسلح و استخبارات شان از طرف امپریالیزم امریکا و متحدین شان پرداخت می‌گردد. بناءً امپریالیزم امریکا در مورد سرکوب جنبش اعتراضی زنان هیچ مشکلی با طالبان ندارد. به همین ترتیب بازداشت زنان زیر نام بد حجابی به اشاره‌ی باداران امپریالیستی شان صورت گرفته و می‌گیرد، زیرا امپریالیزم و به خصوص امپریالیزم امریکا می‌خواهد تا افغانستان در محراق توجه جهانیان قرار گیرد تا بتواند بازی‌های کثیف و سلطه‌جویانه خود را در افغانستان بهتر ادامه دهد.

در جوامع مستعمره - نیمه فئودالی و یا نیمه مستعمره - نیمه فئودالی مسأله زن به یک چالش بزرگ تبدیل گردیده که رهایی از این وضعیت اسفبار جز با مبارزات جدی و پی‌گیر علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان امپریالیستی شان، در جهت سرنگون نمودن قهری امارت اسلامی افغانستان و لغو کلیه امتیازات امپریالیستی در کشور ممکن و میسر نخواهد بود.

در جامعه‌ای که هویت زن با هویت مرد و فرزندان اش تعریف می‌شود، مناسبات حاکم در چنین جوامعی حکم می‌کند که زن باید در ارتباط شوهر و فرزندان هدف زندگی خود را تعیین کند. در این جوامع زن برده و اسیر مرد است و اختیاری از خود ندارد.

بازداشت زنان در شهر کابل به بهانه بی‌حجابی خواست و نیاز دولت‌مداران امارت اسلامی است. این حرکت و عمل‌کردشان به منظور درهم کوبیدن روحیه عصیان و شورش‌گری زنان صورت می‌گیرد. امپریالیزم امریکا و متحدینش از این‌که روحیه عصیان و شورش‌گری زنان توسط طالبان در هم شکسته شود ناراض نیستند. همان‌طوری که بیان گردید آن‌ها به این طریق بهتر می‌توانند تا با بازی‌های شیطن‌آمیز خود، مبارزات زنان را تحت کنترل گرفته و به این طریق اصلاح‌طلبی را جایگزین عمل انقلابی نماید. از این‌که امروز امپریالیزم حرکت و عمل‌کرد طالبان را در مورد زنان محکوم می‌نماید، یک فریب‌کاری بیش نیست.

طالبان بازداشت زنان را زیر نام بد حجابی این‌گونه توجیح می‌نمایند: «بازداشت‌ها طبق قانون و به خاطر حفظ و نظم عامه و ارزش‌های عامه است.»

ما نمی‌دانیم که طالبان از کدام قانون صحبت می‌کنند، در حالی که ادامه حیات امارت اسلامی در بی‌قانونی است. امارت اسلامی در ظرف 28 ماه یا نخواسته و یا نتوانسته که حتی قانون ارتجاعی که تأمین‌کننده منافع امارت اسلامی و حامیان امپریالیستی‌شان باشد را ترتیب و تنظیم نمایند. ادعای «حفظ نظم عامه و ارزش‌های عامه» از طرف طالبان یک ادعای پوچ و بی‌معنا است و فقط طالبان می‌خواهند تا اعمال جنایت‌کارانه‌شان را زیر این نام مخفی نمایند. طبقه حاکمه ارتجاعی نه می‌خواهد و نه می‌تواند که «نظم عامه و ارزش‌های عامه» را حفظ و حراست نماید. آنچه که آن‌ها می‌خواهند زیر این نام حفظ نمایند تحکیم قدرت و منافع طبقاتی‌شان است.

سرچشمه این همه ستم‌گری‌ها و خشونت‌ها جنون فردی نیست، بلکه منشاء طبقاتی داشته و با سیستم اقتصادی و سیاسی‌ای که انقیاد اجتماعی و شخصی زن را الزام آورده است. در چنین جوامعی زنان همیشه مورد تحقیر، توهین و تنبیه و سرکوب قهری قرار می‌گیرند. علت این همه تنبیهات زنان بخاطر آن است که روحیه طغیان و شورش‌گری را در نهادشان سرکوب نموده، تا این‌که فکر ورود به جامعه و تصمیم‌گیری و عمل مستقل را نکنند و همیشه به وحشت زندگی نمایند.

در طول تاریخ افغانستان زن ستیزی و سلطه‌جویی مرد بر زن به عنوان یک خصلت طبیعی و پسندیده مردانه تشویق گردیده و امروز امارت اسلامی طالبان آن را عملاً به کار می‌بندد، و با صراحت بیان می‌کنند که «مردان با غیرت زنان با حجاب دارند». از دید طالبان غیرت به معنای ناموس‌داری است، در فرهنگ نیمه فئودالی افغانستان «غیرت» جایگاه خاصی دارد. از نظر طبقات حاکمه ارتجاعی غیرت فقط مربوط به مردان است و به این‌خاطر هم طالبان از آن حمایت می‌کنند.

امروز در افغانستان هستند کسانی که علیه سنن خفقان‌آور طالبان به مبارزه برخاسته‌اند، اما این مبارزات‌شان نه به خاطر رهایی از ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی، بلکه تلاش دارند تا دموکراسی جعلی و سالوسانه کشورهای امپریالیستی را در مقابل توحش امارت اسلامی قرار دهند و به این طریق آن را زیب و زینت داده و به صورت غیر مستقیم به زنان این مفهوم را دیکته کنند که اگر نمی‌خواهند با سنت‌های خفقان‌آور طالبانی سازش نمایند باید به کشورهای «متمدن» پناه برند. با کمال تأسف که مبارزات زنان افغانستان امروز هم از این محدوده فراتر نرفته است.

زنان مبارز افغانستان باید این نکته را درک کنند که کشورهای امپریالیستی یا «جامعه جهانی» و طالبان هر دو بدیل ارتجاعی است و هیچ وجه مشترکی با رهایی‌زنان ندارند.

امروز بطور قطع مرتجعین رنگارنگ در قالب ایدئولوژی‌های مختلف تلاش دارند تا زنان را به محیط خانه و خانواده اسیر نمایند. تنها معیار انقلابی برای سنجش دیدگاه هر فرد، در مورد زنان این است که تا چه حد خلاف این جهت‌گیری حرکت می‌کنند، یعنی تا چه حد این نیروها در صدد اند تا زنان را از مناسبات اسارت‌بار و مردسالار خانه و خانواده با هدفی غیر استثماری جدا نموده و با اتکاء به نیروی خود آن‌ها را به اعمال قدرت سیاسی نزدیک‌شان سازند.

زنان افغانستان باید این نکته را درک کنند که آزادی تحفه نیست که از طرف امپریالیست‌ها و مرتجعین برای زنان اهدا شود، بلکه از طریق مبارزات جدی، پی‌گیری و بی‌امان تحت رهبری پیش‌آهنگ انقلابی و سرنگونی امارت اسلامی طالبان و لغو تمام امتیازات امپریالیزم بدست می‌آید. زیرا ستم بر زن با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره خورده است و ستم بر زن جز مهمی از ساختار اقتصادی - اجتماعی استثماری است. تا زمانی که این دو (ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی) منهدم نشود نمی‌توان شئونیزم جنسی را از میان برداشت.

زنان مبارز و انقلابی برای رهایی از قید هر گونه ستم و گسستن زنجیرهایی که در جامعه و خانواده دست و پای آنان را بسته و مانع شرکت‌شان در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی می‌شود باید به مبارزه جدی برخیزند و از مبارزات خلق‌ها و زنان انقلابی جهان بیاموزند و آن‌را در جامعه خود به کار بندند. باید که سائر زنان ستم‌دیده را به شورش دعوت نموده و متشکل‌شان سازند و دوشادوش مردان مبارز به‌پا خیزند تا زمینه برپایی یک جنبش انقلابی گسترده و نقشه‌مند علیه ستم بر زنان را فراهم آورند.

**عمل وحشیانه بازداشت زنان باید متوقف گردد**

**زنان بازداشت شده هرچه عاجل باید رها شوند**

**کمیته اتحاد و انسجام نیروهای انقلابی افغانستان**

**18 جدی 1402 خورشیدی**

**8 جنوری 2024 میلادی**